

## مهندسی فرهنگی و جهانی شدن

بشر موجودی آگاه و پویاست و برخلاف موجودات دیگر می‌تواند در سایه علم و تجربه محیط زندگی خویش را هدفمندانه برای رسیدن به نقطه ایده‌آل و مطلوب تغییر دهد. این ویژگی همواره باعث ظهور و نمود تحولات گوناگون و نوپدید در جهان بوده است. به عبارت دیگر تحولاتی که بشر در طول حیات تاریخی خودش رقم زده، هیچگاه یکسان و مشابه نبوده است. همین ناهمسانی و عدم تشابه حکایت از آن دارد که روح تحول‌خواهی و ایجاد تغییر برای نیل به هدف هرگز به یک شکل ثابت و تکراری عمل نمی‌کند. با ورود به دنیای مدرن و به موازات افزایش تجربه و دانش، انسان دیگر در مواجهه با تغییرات و تحولات طبیعی مقهور آنها نبود بلکه آهسته آهسته توانست این وضعیت را تغییر دهد و خود را از حالت مقهور و مغلوب خارج سازد. تجربه و دانش روزافزون در این راه به بشر کمک فراوانی کرده است.

شاید به یک تعبیر بتوان گفت افزایش غیرقابل‌تصور دامنه و حجم دانش در جهان معاصر و تبلور آن به شکل‌های مختلف که در قالب ساخته‌ها و دستاوردهای متنوع و بی‌شمار نمود یافته است به خوبی مبین وقوع یک انقلاب بزرگ در ذهن و اندیشه انسان جهان معاصر است که به نوعی چنین اتفاقی را می‌توان در پدیده جهانی شدن مشاهده کرد. اگر بخواهیم به پدیده جهانی شدن به عنوان یکی از پیامدهای مهم رشد و توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات بپردازیم به ناچار باید آن را در یک ارتباط تنگاتنگ با دیگر زمینه‌ها و عوامل مختلف مورد بررسی قرار دهیم. جهانی شدن به عنوان نمودی از تلاش مستمر بشر برای ایجاد تحول در ساختار جهان حاصل یک فرآیند پیچیده تاریخی است. این پدیده را به هر معنا و مفهومی که در نظر بگیریم نه تنها قابل انکار

دستیابی به هدف خود در صحنه عمل دست به یک مهندسی فرهنگی می‌زنند. با توجه به ابعاد مختلف جهانی شدن و تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از آن کشورهای مختلف جهان برای سازگاری با تغییرات حاصل از روند جهانی شدن باید دست به ابتکار عمل زده و با یک مهندسی و مدیریت فرهنگی دقیق، پیش‌بینی و تخمین‌های لازم را برای برخورد با آسیب‌های احتمالی پیش رو انجام داده و خود را برای ورود به دوران جهانی شدن آماده سازند. این سازگاریها در سه سطح فراملی، ملی و فردی باید لحاظ شود. در سطح فراملی باید به توسعه یک نوع سازماندهی نوین جهانی به منظور حل مسائل و مشکلات جهانی رو کرد، در سطح ملی دولت‌های محلی جایگاه و برنامه ویژه‌ای را برای مواجهه هدفمند با این پدیده باید داشته باشند و نهایتاً در سطح فردی می‌بایست توجه داشت که رفتار اجتماعی دارای همبستگی بالایی با فرهنگ و هویت خود داشته باشد. در این میان کشور ما به لحاظ برخورداری از یک پشتوانه قوی فرهنگی و هم جهت نبودن آن با سیاست‌های اروپا و آمریکا، هدف جدی مهندسی فرهنگی آنها می‌باشد که ما نیز با مهندسی فرهنگی پویا باید ضمن مقابله موثر با آن تلاش نماییم فرهنگ غنی خود را در ورای مرزهای ملی توسعه دهیم.

از سوی دیگر جهانی شدن در کنار صدماتی که ممکن است به لحاظ ورود منابع هویتی مختلف و هدف‌گیری آنها و افزایش مراجع فرهنگ‌ساز به هویت ملی کشورها وارد سازد امکانات مناسبی را نیز به لحاظ منابع و ابزارها برای توسعه و گسترش فرهنگ ملی در ورای مرزهای تضعیف شده می‌دهد. توجه مدبرانه به محذورات و مقذوراتی که جهانی شدن برای ما به عنوان عضوی از نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند ما را در دستیابی به اهداف مهندسی فرهنگی موفق خواهد نمود. اکنون این سوال مطرح می‌شود که با کنار رفتن مرزها در فرآیند جهانی شدن چگونه باید حریم ارزشی و فرهنگی خود را حفظ و مهندسی کرد؟ چگونه باید از رهگذر «شناخت» آینده به «ساختن» فردایی پرداخت که در آن امنیت هستی شناختی (هویتی) انسان و جامعه ایرانی تضمین شده باشد؟ چگونه می‌توان چشم فرهنگی انسان ایرانی را شست که طور دیگر (متفاوت از گذشته) به «خود» و «دگرخود» بنگرد و طرحی نو برای آینده فرهنگی و هویتی خود دراندازد؟

مدیر مسئول

نیست بلکه به عنوان یک واقعیت بزرگ و تأثیرگذار در تمامی جنبه‌های زندگی انسان امروزی امری مهم و در خور توجه است. جهانی شدن به عنوان یک پدیده نوظهور که حل و هضم آن در مراحل اولیه پیدائی آن اندکی دشوار است توانسته دستاوردها و پیامدهای متعددی را به ارمغان آورد هر چند برخی از این پیامدها و دستاوردها به دلیل مواجهه ناصحیح با آن و یا بر اثر دخالت برخی از قدرت‌ها بیشتر با تأثیرات منفی و احیاناً مخرب همراه بوده است.

جهانی شدن و حرکت تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریده می‌شود در بعد فرهنگی، تداخل فرهنگها و تضعیف مرزها و هویتها را در پی داشته است. امروزه جهان معاصر تحت تأثیر پدیده نوظهور جهانی شدن به عنوان مولود رشد و توسعه فزاینده ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ تحولات فراوان و متنوعی را در حوزه‌های مختلف اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد و فرهنگ تجربه می‌کند. از آنجا که نمی‌توان مرزهای نفوذ ناپذیری در مقابل اشاعه اندیشه‌ها و کالاهای ایجاد کرد در بلندمدت جهانی شدن پیشرفت خواهد کرد. پویسهای مرزگشای جهانی شدن دقیقاً به این دلیل بارزتر می‌شود که طی دهه‌های گذشته گسترش فراوان امکانات، منافع و بازارها، زمینه بالقوه رواج عالمگیر آنها را فراهم ساخته است.

اما چه باید کرد؟ آیا باید با یک نگاه مقاومت یا فرار در برابر این تحولات اجتناب ناپذیر نوعی محرومیت اختیاری از فواید و مزایای مثبت پدیده جهانی شدن را برگزید؟ به نظر می‌رسد علی‌رغم تمامی دغدغه‌ها و نگرانی‌های فراوانی که در کشورهای مختلف نسبت به تأثیرات گسترده و منفی این پدیده در عرصه‌های گوناگون وجود دارد، خردمندانه‌تر و سازنده‌تر آن باشد که در مواجهه با این پدیده همواره جانب احتیاط و شکیبائی را رعایت کنیم و آن را به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از وجوه مثبت آن بهره‌برداری نموده و در برابر جنبه‌های منفی و هدایت شده آن تدبیر مناسب اتخاذ کنند.

در عصر جهانی شدن ما با دو دسته از کشورها روبه‌رو هستیم در دسته اول کشورهایی هستند که تلاش می‌کنند با استفاده از تمام توان و ظرفیت‌های خود فرهنگ خود را به فرهنگ غالب در جهت دستیابی به اهدافشان تبدیل کنند در سوی دیگر با کشورهایی روبرو هستیم که به شیوه‌های مختلف تلاش دارند تا از صدمه جدی به فرهنگ و هویت ملی جلوگیری کنند. به نظر می‌آید هر دو دسته این کشورها برای